

پیشنهاد به سخنگوی دولت؛ از مذاکرات شروع کنید

مرجعیت بی خبری



فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، در نشست با اصحاب رسانه در استانداری خراسان رضوی، بر بازگرداندن «مرجعیت خبر» به داخل کشور با تکیه بر «صداقت، صراحت و چابکی» تأکید کرد و خواستار گفت‌وگوی شفاف با مردم شد. این سخنان هرچند قابل قبول هستند در بستر واقعیت رسانه‌ای ایران و مذاکرات حساس غیرمستقیم با آمریکا در مسقط و رم، شکننده به نظر می‌رسند. وقتی اخبار مذاکرات از ۲۳ فروردین ۱۴۰۴ (۱۲ آوریل ۲۰۲۵) از گاردین، رویترز، فاکس نیوز و دیگر رسانه‌های غربی و حتی عربی به گوش می‌رسد، ادعای مرجعیت داخلی رنگ می‌بازد. دونالد ترامپ با حدود سه مصاحبه (ABC News، TIME، NBC News) و استیو ویتکاف با چهار مصاحبه (فاکس نیوز، بریتبارت، آتلانتیک، ABC) به شکل تقصیلی سعی کردند روایت‌های ضد و نقیضشان را روی میز بین الملل بکوبند در حالی که مذاکره‌کنندگان ایرانی دست بسته‌تری در این زمینه داشتند. مهاجرانی از نبود مرجعیت گلابه می‌کند، اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا دولت با بازوان رسانه‌ای پرنفوذش نتوانسته حداقل برای مردم خودش، مرجع خبر باشد؟ گلابه مهاجرانی به‌عنوان عضوی از نهاد دولت با امکانات گسترده، تنها فرکانس افعال صادر می‌کند. ضعف رسانه‌ای می‌تواند دیپلماسی را آسیب‌پذیر و اعتماد عمو می را تضعیف کند. دولت برای تحقق هدف مهاجرانی باید از الگوهای سنتی به رویکردی مدرن و تعاملی و شفاف گذر کند، وگرنه همچنان گاردین و فاکس نیوز و بقیه در میدان رسانه‌ای ایران جولان خواهند داد.

تیم‌های رسانه‌ای کجا هستند؟

مهاجرانی در سخنان خود بر بازگرداندن «مرجعیت خبر» به داخل کشور تأکید می‌کند. این ایده در تئوری جذاب است، اما در عمل با موانع متعددی روبه‌رو است، پرسش اصلی این است؛ وقتی اخبار مذاکرات حساس ایران و آمریکا را باید از منابعی مانند گاردین، رویترز، فاکس نیوز یا آکسیوس دریافت کنیم، چگونه می‌توان از مرجعیت رسانه‌های داخلی سخن گفت؟ مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا، که از ۲۳ فروردین ۱۴۰۴ در مسقط آغاز شد و در ۳۰ فروردین در رم ادامه یافت، در سایه بازگشت دونالد ترامپ به قدرت و تحریم‌های جدید وزارت خزانه‌داری آمریکا علیه شبکه فنتی ایران در ۲۱ فروردین ۱۴۰۴، حساسیت بی‌سابقه‌ای در میان مردم ایجاد کرده است. با این حال کارشناسان رسانه معتقدند هدایت رسانه‌ای این مذاکرات از ضعف مفرط رنج می‌برد. البته تناقض گوی‌های طرف آمریکایی در این زمینه بی‌تأثیر نیست. اما آنچه سخنان مهاجرانی را بیش از پیش مورد انتقاد قرار می‌دهد، تناقض میان جایگاه او به‌عنوان سخنگوی دولت و گلابه از فقدان مرجعیت خبری است. دولت به‌عنوان نهاد قدرت، کنترل رسانه‌های متعددی از جمله صداسویمیا، خبرگزاری‌های رسمی و شبکه‌های روابط عمومی را در اختیار دارد. وقتی مهاجرانی از نبود مرجعیت خبر سخن می‌گوید، این پرسش مطرح می‌شود که چرا دولت با این همه امکانات، خود در این زمینه اقدامی مؤثر انجام نداده است؟ به‌جای ابراز نارضایتی از وضعیت موجود، دولت باید پاسخ دهد که چرا با وجود این منابع عظیم، اخبار مذاکرات حساس ایران از رسانه‌های خارجی به دست مردم می‌رسد؟ این گلابه‌ها از زبان یک مقام رسمی، نه‌تنها فرکانسی از افعال صادر می‌کند، بلکه این تصور را ایجاد می‌کند که دولت خود را از مسئولیت

بهبود وضعیت رسانه‌ای کنار کشیده است. اگر «صداقت، صراحت و چابکی» کلید بازگرداندن مرجعیت است، چرا دولت در عمل این اصول را به کار نبسته و همچنان به الگوهای سنتی و ناکارآمد وابسته است؟ دولت با در اختیار داشتن ابزارهای ارتباطی که مخاطبان میلیونی دارد و امکانات گسترده در وزارتخانه‌ها و نهادهای عمومی، می‌توانست تیم‌های حرفه‌ای رسانه‌ای تشکیل دهد، از شبکه‌های اجتماعی بهره‌برد و با شفافیت بیشتر، روایت خود را به افکار عمومی تحمیل کند. این تناقض که یک مقام دولتی از ضعف مرجعیت خبر گلابه کند؛ اما هیچ برنامه عملی برای رفع آن ارائه ندهد، اعتبار اظهارات خانم سخنگو را زیر سؤال می‌برد. دولت به جای توصیف مشکل، باید پاسخ دهد که چرا با این همه امکانات، هنوز افکار عمومی برای آگاهی از مذاکرات به رسانه‌های خارجی رجوع می‌کند.

فقدان چابکی و شفافیت در برابر شایعات

مهاجرانی «چابکی» را یکی از ستون‌های بازگرداندن مرجعیت خبر می‌داند، اما عملکرد رسانه‌ای ایران در مذاکرات اخیر، مصداق بارز افعال و کندی است. یک نمونه از آن، تغییر مکان مذاکرات از مسقط به رم بود که به‌جای تمرکز بر محتوای گفت‌وگوها، به ابزاری برای حاشیه‌سازی تبدیل شد. رویترز در ۳۰ فروردین (۱۹ آوریل) گزارش داد که این تغییر «ابهام در مذاکرات» را تقویت کرده است. این در حالی است که تیم ایرانی می‌توانست با اطلاع‌رسانی سریع و شفاف، این شایعه را خنثی کند. فقدان شفافیت نه‌تنها شایعات را تقویت می‌کند، بلکه اعتماد عمومی را تضعیف می‌کند. مهاجرانی می‌گوید «نباید به مردم دروغ بگوییم» اما وقتی اطلاعات کلیدی از رسانه‌های خارجی به دست می‌آید و تیم ایرانی در موضع افعال قرار دارد، به دور شدن از صداقت دامن می‌زند.

چابکی روی کاغذ

یکی از چالش‌های اصلی مذاکرات کنونی، عملیات روانی مخالفان، از جمله رژیم صهیونیستی، محافظه‌کاران آمریکایی و برخی جریان‌های داخلی است. جروزالم‌پست در ۳۱ فروردین (۲۰ آوریل) مدعی شد مذاکرات به «بن‌بست» رسیده، ادعایی که با بیانیه عمان درباره «فضای سازنده» مذاکرات مغایرت داشت. نیویورک‌تایمز هم در ۴ اردیبهشت ادعا کرد ایران پیشنهاد مشارکت در اداره تأسیسات غنی‌سازی را مطرح کرده، که توسط عراقچی تکذیب شد. برخی رسانه‌های داخلی هم پیش‌تر مدعی شده بودند پیشنهادهای آمریکا «غیرواقع‌بینانه» است. فارغ صحت و سقم این ادعاها، تأخیر در پاسخگویی به این شایعات به سردرگمی افکار عمومی دامن زد. همان زمان فاینشئال‌تایمز به‌عنوان یک رسانه بریتانیایی هشدار می‌دهد که فقدان شفافیت می‌تواند مذاکرات را به بن‌بست بکشاند، هشداری که نه‌تنها درخصوص رسانه‌های خارجی، بلکه به ضعف داخلی در مدیریت روایت هم بی‌ربط نیست. در مقابل، آمریکا با ارتباط فعال با رسانه‌ها، روایت خود را به افکار عمومی تحمیل می‌کند. وقتی ترامپ به فاکس نیوز می‌گوید «مذاکرات خوب پیش می‌رود، اما ایران باید غنی‌سازی را متوقف کند»، این پیام به سرعت در سطح جهانی بخش می‌شود. تیم آمریکایی، به رهبری مایکل آلتون، با تعامل منظم با رسانه‌هایی مانند نیویورک‌تایمز و آسوشیتدپرس، فضای عمومی را به نفع خود شکل می‌دهد. اما ایران به جای استفاده از ظرفیت

شبکه‌های اجتماعی مانند ایکس برای ارائه روایت اول، به بیانیه‌های کلی و سنتی اکتفا می‌کند. این افعال، در تضاد با ادعای مهاجرانی درباره «چابکی» است و نشان می‌دهد که مرجعیت خبری نه‌تنها به داخل بازنگشته، بلکه در اختیار رسانه‌های خارجی قرار گرفته است. دولت با امکانات عظیمی که در اختیار دارد، باید پاسخ دهد که چرا در این میدان عقب مانده است؟

شکست در نبرد دیجیتال؟

مهاجرانی بر بهبود ارتباط با مردم تأکید می‌کند، اما نادیده گرفتن نقش شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های مستقل، این هدف را تضعیف می‌کند. در مذاکرات برجام، استفاده فعال از شبکه‌های اجتماعی و اطلاع‌رسانی شفاف، اعتماد عمومی را جلب کرد. اما در مذاکرات کنونی، به‌نظر می‌رسد تیم ایرانی از این ظرفیت غافل مانده است. کارشناسان هشدار می‌دهند که اخبار مذاکرات اغلب «دست‌ساز و هدفمند» هستند، اما تیم مذاکره‌کننده به جای ارائه روایت خود در ایکس، اجازه داده رسانه‌های غربی مانند آکسیوس و وال‌استریت‌ژورنال روایت غالب را شکل دهند. رسانه‌های مستقل و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند با ارائه اطلاعات غیرحساس و شفافیت کنترل‌شده، اعتماد عمومی را جلب کنند. مهاجرانی از «محرم‌تر از مردم» نبودن سخن می‌گوید، اما وقتی مردم برای آگاهی از مذاکرات به گاردین و فاکس نیوز وابسته‌اند، این ادعا رنگ می‌بازد.

دیپلماسی در تله سنت

مذاکرات کنونی که به مرحله فنی وارد شده از حساسیت بالایی برخوردار است. ضعف رسانه‌ای نه‌تنها دیپلماسی را در برابر عملیات روانی آسیب‌پذیر کرده، بلکه اعتماد عمومی را تضعیف می‌کند. این ضعف رسانه‌ای البته محدود به مذاکرات جاری نیست و در بزنگاه‌های دیگر هم شاهد خلاهای مشابه بوده‌ایم. تلفیق این ضعف با شایعات رسانه‌های غربی مانند گزارش وال‌استریت‌ژورنال درباره «عدم انعطاف ایران»، نه‌تنها سردرگمی عمومی را در داخل افزایش می‌دهد که تصویر ایران را در نقشه جهانی خدشدار می‌کند. تشکیل تیم رسانه‌ای حرفه‌ای، استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای تکذیب سریع شایعات و شفافیت کنترل‌شده می‌تواند این ضعف را جبران کند. تجربه‌های رسانه‌ای نشان داده‌اند که اطلاع‌رسانی فعال می‌تواند اعتماد عمومی را جلب کند، اما تکیه بر الگوهای سنتی و ناکارآمد در مذاکرات کنونی، این فرصت را از بین برده است. سخنان فاطمه مهاجرانی درباره بازگرداندن مرجعیت خبر به داخل، هرچند با نیت خیر و تأکید بر ارزش‌های اخلاقی بیان شده‌اند، اما در برابر واقعیت‌های پیچیده رسانه‌ای امروز ناکافی‌اند. این گلابه‌ها، بدون ارائه برنامه عملی و اقدام مؤثر، بیشتر به توجیه ناکارآمدی شبیه است تا راهکاری برای تغییر. فقدان چابکی، بی‌تفاوتی نسبت به بخشی از شبکه‌های اجتماعی که در کنار افعال در برابر عملیات روانی مخالفان توافق و کاسیان کلان تنش، مرجعیت خبری ایران را تضعیف کرده است. برای تحقق هدف مهاجرانی، نیاز به تغییر رویکرد از سنتی به مدرن، از انفعال به تعامل و از یک‌سونوگری به شفافیت است. بدون این تغییرات و بدون پاسخ به این پرسش که چرا دولت با این همه امکانات اقدامی مؤثر انجام نداده، سخنان مهاجرانی در حد گلابه باقی خواهد ماند و مرجعیت خبر همچنان در دست رسانه‌های خارجی باقی خواهد ماند.

وزیر خارجه به سرعت

پاسخ ادعای ویتکاف دربارهٔ

حق غنی‌سازی ایران را داد

دور تازهٔ مذاکرات احتمالاً

در چند روز آینده انجام خواهد شد

منظره

قبل از مذاکره



زهرا طبیبی

خبرنگار گروه سیاست

دور پنجم مذاکره با آمریکایی‌ها، هنوز شروع نشده؛ اما عضو ارشد تیم مذاکره‌کننده آمریکا مطرح‌کردن خواسته‌های زیاده‌خواهانه‌اش را در فضای رسانه‌ای شـروع کرده است. استیو ویتکاف روز گذشته در گفت‌وگو با ای‌بی‌سی به این موضوع اشاره کرد که آمریکا در مذاکرات با ایران، یک خط‌قرمز دارد و آن‌هم این است که اجازه نمی‌دهیم، ۱ در صد ظرفیت غنی‌سازی وجود داشته باشد و در ادامه هم گفت: «همه چیز با یک توافق شروع می‌شود که شامل غنی‌سازی نباشد. مانمی توانیم این را بپذیریم، چون غنی‌سازی امکان تسلیحاتی شدن را فراهم می‌کند و ما اجازه نمی‌دهیم، بـسی به اینجا برسد.» این دومین مصاحبه و اظهارنظر زیاده‌خواهانه ویتکاف در مورد برنامه هسته‌ای ایران است، پیش از شروع دور چهارم مذاکرات هم او مشابه این ادعا را مطرح کرده و گفته بود، «ایران نباید برنامه غنی‌سازی هسته‌ای داشته باشد و توافق زمانی انجام خواهد شد که ایران تأسیسات غنی‌سازی هسته‌ای خود را نابود کند.» این اظهارات مشخصاً دنبال‌کردن ایده لیبی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران است. بعد از برگزاری دور چهارم مذاکره، دستگاه وزارت خارجه ایران در واکنش به اظهارات ویتکاف به این موضوع اشاره کرد که مواضع آمریکایی‌ها در میز مذاکره و در گفت‌وگوهای رسانه‌ای متناقض است. این بار اما ویتکاف ادعاهای صریح‌تر و تندتری در مورد غنی‌سازی و فعالیت هسته‌ای ایران مطرح کرد؛ ادعاهایی که این گمانه‌را تقویت می‌کند؛ و زو ظرفیت تـندروی کابینه ترامپ به طیف معتدل‌تر چریبده است. در حالی‌که رسانه‌هایی مثل آکسیوس به نقل از منابع آگاه مدعی بودند که آمریکایی‌ها پیشنهاد مکتوبی را به تیم مذاکره‌کننده ایرانی دادند، وزیر خارجه ایران ضمن تکذیب این خبر که «ایران هیچ پیشنهاد مکتوبی از سوی آمریکا به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم دریافت نکرده است.» صراحتاً اعلام کرد «هیچ سناریویی وجود ندارد که در آن ایران از حق خود برای غنی‌سازی با اهداف صلح‌آمیز، چشم‌پوشی کند.» تکرار دوباره این ادعا باعث شـدد وزیر خارجه ایران بلافاصله پاسخ ادعاهای رسانه‌ای ویتکاف را بدهد. سیدعباس عراقچی در واکنش به خط‌قرمز جدید و غیرقانونی خودخوانده آمریکایی‌ها در مورد حق غنی‌سازی ایران، ویتکاف را از واقعیت‌های مذاکراتی دور دانست و گفت: «غنی‌سازی در ایران ادامه پیدا خواهد کرد.» وزیر خارجه به این موضوع هم اشاره کرد که اگر آن‌ها نگران ساخت سلاح هسته‌ای در ایرانند، ما برای این کار کاملاً آمادگی داریم، اما اگر خواسته‌های غیر واقعی داشته باشند «طبیعی است که به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسیم.» این اظهارات نشان می‌دهد آمریکایی‌ها پای اظهارنظر‌های تند و خواسته‌های غیر واقعی شان در مورد فعالیت هسته‌ای ایران را به رسانه‌ها باز کردند. ایران هم با وجود هشدار چندباره‌ای که به این اظهارات متناقض داده بود این بار بلافاصله پاسخی تند داد. البته هنوز این ابهام وجود دارد که آنچه آمریکایی‌ها در مذاکرات مطرح می‌کنند با اظهارات رسانه‌ای شان متفاوت باشد، اما پاسخ وزیر خارجه ایران به این اظهارات نشان می‌دهد فشار واردکردن بر ایران با ابزار رسانه‌ای پروژه‌ای شکست‌خورده است و ایران در مورد حق غنی‌سازی کوتاه نخواهد آمد. اشاره وزیر خارجه ایران به این موضوع که ویتکاف از «واقعیت‌های مذاکراتی به دور» است ابهاماتی را تقویت می‌کند و این سؤال را به وجود می‌آورد که آیا به‌واقع هدایت مذاکرات و پیشبرد فرایند مذاکراتی در اختیار استیو ویتکاف است و او در جریان کامل جزئیات مذاکرات قرار دارد یا فرایند مذاکرات ایران و آمریکا توسط شخص دیگری هدایت می‌شود و او صرفاً یک جایگاه نمایشی در مذاکرات دارد. تأکید وزیر خارجه به اینکه با خواسته‌های غیر واقعی به جایی نمی‌رسیم هم نشان می‌دهد ایران یک ایده و چهارچوب مشخص در مذاکرات با آمریکا دارد و همچنین آن را دنبال می‌کند. ایران برای ایجاد اعتماد برای عدم ساخت سلاح هسته‌ای آمادگی دارد؛ اما از حق غنی‌سازی صلح‌آمیز کوتاه نخواهد آمد و نکته مهم‌تر آنکه در مقابل زیاده‌خواهی آمریکایی‌ها کوتاه نخواهد آمد و هر توافقی را بهتر از بی‌تفاوتی نمی‌داند و به هراسی می‌از ترک کردن میز مذاکره ندارد. فارغ از این موارد اما به‌نظر می‌رسد گفت‌وگو مذاکره‌کنندگان ارشد ایران و آمریکا پیش از شروع دور پنجم مذاکرات وارد مرحله تازه‌ای از مواضع تند و واکنش‌های پرچالش شده است. این اظهارات روی دور پنجم مذاکرات سایه سنگینی می‌اندازد و این سؤال را به وجود می‌آورد که آیا مذاکرات جدید قرار است پرچالش، پر تنش و سخت‌باشد یا همانند دوره‌های قبلی مذاکراتی آمریکایی‌ها به تناقض‌گویی‌ها در میز مذاکره و رسانه با هدف دست‌کاری افکار عمومی و فشار به تیم مذاکره‌کننده ادامه خواهند داد.

منظره

شعارهای اینجینی، واقعیت ندارد و همچنین جایگاه دیپلماسی ایران را در منطقه تقویت می‌کند و نشان می‌دهد سبب دیپلماسی ایران متنوع و بر است. به تیم مذاکره‌کننده ما هم کمک می‌کند که ایران دست خالی نیست و در این فضا ضعیف نیست.»

ایران مبتکر برگزاری رویدادهای تهران در منطقه

غلام‌زاده به این موضوع هم اشاره کرد که مجمع گفت‌وگوی تهران، پیش از این هم برگزار شده اما حالا ابتکار مثبتی رخ داده و گفت: «مجمع گفت‌وگوی تهران پیش از این، قبل از شیوع کرونا برگزار شد. چند رویداد مشابه داشتیم، مثل نشست امنیتی تهران. چند نشست با عناوین مختلف برگزار شد. فکر می‌کنم اولین کشور منطقه که از این جنس رویداد برگزار کرد، ایران بود، اما نظم نداشت و بعد از تغییرات دولت تر کرونا، متوقف شد. امسال همت کردند این مجمع‌ها را با هم جمع کردند و در قالب مجمع گفت‌وگوی تهران برگزار شد و ظرفیت‌ها تلفیق شد که یکپارچه شود. اتفاق خوبی است و ایران باید این برند را حفظ کند و مشکل دهد، کمالاتی که کشورهای دیگر منطقه هم فعالیت را شـروع کرده‌اند. حتی عراق هم سال‌ سال گذشته گفت‌وگوهای بغداد را شروع کرد.»

منظره

حمیدرضا غلام‌زاده، کارشناس بین الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان» در مورد مجمع گفت‌وگوی تهران مطرح کرد

امکانی برای برگزاری دیپلماسی غیر رسمی

می‌شود. تا جایی که می‌دانم، تعداد مهمانان معقول و خوب است و سطوح مختلف و بالا دعوت شده و آمده‌اند.»

فرصتی برای تقویت جایگاه دیپلماسی ایران

غلام‌زاده در مورد اینکه چقدر این مجمع در روند مذاکراتی اثرگذار است، گفت: «نمی‌شود این مجمع را به مذاکرات نسبت داد، چون هماهنگی برای چنین مجمعی قبل از شروع مذاکرات و توافق برای مذاکرات شروع شد. قاعدتاً چند ماهی برای این مجمع برنامه‌ریزی شده و در آن زمان هم فرایند مذاکرات با آمریکایی‌ها هنوز شکل نگرفته بود، اما کمک‌کننده است. به هرصورت این مسیر گفت‌وگو، هم در ارسال و دریافت پیام‌ها کمک می‌کند، هم رابزنی‌هایی در حاشیه این اجلاس‌ها صورت می‌گیرد که می‌تواند حاوی ایده‌هایی باشد. در اجلاسی در خارج از کشور شرکت کرده بودم. آنجا یکی از مهمانان گفت در مجمع گفت‌وگوی تهران شرکت خواهم کرد و در مورد مذاکرات، صحبتی هم کرد. نکته این است که برای فرصت امکانی برای شکل‌گیری گفت‌وگوی رسمی و غیررسمی می‌آید، ایده‌هایی است که می‌تواند به مذاکرات کمک کند. ضمن اینکه نشان می‌دهد منووی کردن ایران و اینکه ارتباطاتی با کشورهای دیگر ندارد و

در شرایطی که همچنان مهم‌ترین پرونده سیاست خارجی ایران با جدیت در حال پیگیری است، روز گذشته تهران میزبان ۵۳ مقام ارشد از کشورها و ۲۰۰ هیئت خارجی بود. گفته می‌شود این مراسم بستری برای دیپلماسی غیررسمی فراهم می‌کند. برگزاری این مجمع که دو روز ادامه خواهد داشت، در میانه مذاکرات ایران و آمریکا، ایسن گزاره را اثبات می‌کند که ایران همه تخم مرغ‌هایش را در سبد مذاکره و توافق با آمریکا، قرار نداده است. همچنین در شرایطی که رقیبا و دشمنان ایران، سیاست منزوی کردن ایران در منطقه و کاهش قدرت‌ش را دنبال می‌کنند، برگزاری این اجلاس، فرصت خوبی برای تقویت جایگاه دیپلماسی ایران در فضای سیاسی و بین‌المللی است. البته دیدارهایی که در حاشیه این مجمع برگزار می‌شود هم می‌تواند بهانه خوبی برای تقویت روابط با کشورهای همسایه و حل بحران‌ها و چالش‌ها با آن‌ها باشد. در این چهارچوب سفر بارزانی، رئیس اقلیم کردستان در زمره اتفاقات مثبت این مجمع قرار می‌گیرد. برای بررسی اثرات مثبت برگزاری مجمع گفت‌وگوی تهران، با حمیدرضا غلام‌زاده، کارشناس مسائل بین‌الملل گفت‌وگو کردیم که در ادامه مشروح آن را از نظر می‌گذرانید.